

حفاظت از کلیسا به عنوان خانه خدا

پیام هشت

بنای حصار [دیوار] شهر برای محافظت از کلیسا به عنوان خانه خدا

مطالعه متون مقدس: نحمیا ۱: ۳؛ ۲: ۹-۲۰

۱. کتاب عزرا تاریخچه بازگشت اسارت اسرائیل و بازسازی معبد است؛ کتاب نحمیا تاریخچه بازسازی حصار شهر اورشلیم است - نحمیا ۲: ۱۷-۲۰:

آ. شهر اورشلیم برای ایمن داشتن و حفاظت از خانه خدا که در شهر قرار داشت، بود - آ. ۱۳:

۱. این نشان می دهد که خانه خدا به عنوان مسکن و خانه او بر زمین، نیاز به پادشاهی او دارد که به عنوان قلمرویی برای حفظ منافع او بر روی زمین جهت حکومتش برقرار شود، تا بتواند اقتصاد خود را انجام دهد - آ. ۱۵.

۲. بازسازی خانه خدا نماد بازیابی خدا از کلیسای تنزل یافته است، و بازسازی حصار شهر اورشلیم نماد بازیابی خدا از پادشاهی خود می باشد - آ. ۱۷-۲۰.

ب. بنای خانه خدا و بنای پادشاهی توسط خدا، به همراه هم هستند - متی ۱۶: ۱۸-۱۹.

۲. بخش اول کتاب نحمیا، باب های ۱ تا ۷، درباره بازسازی حصار شهر اورشلیم تحت [نظارت] نحمیا است:

آ. نحمیا گزارشی دریافت کرد که حصار اورشلیم خراب و دروازه‌هایش به آتش سوخته شده بود - ۱: ۳ ب.

ب. نحمیا ۲: ۹-۱۶ از سفر نحمیا به اورشلیم و مشاهده شخصی او از وضعیت حصار شهر اورشلیم می گوید.

پ. نحمیا ۲: ۱۷-۲۰ سخنی در مورد بازسازی حصار اورشلیم است:

۱. معبد، مکان حضور خداوند است، جایی که ما در آنجا خداوند را ملاقات و خدمت می کنیم، اما آن [مکان] نیاز به محافظت دارد.

۲. حصار شهر، دفاع معبد است. بدون حصار شهر، هیچ حفاظتی وجود ندارد.

۳. حصار شهر نه تنها برای محافظت بلکه همچنین برای جداسازی است.

۴. کتاب نحمیا به ما می گوید که ما همه باید قسمت خود از حصار را بسازیم؛ هرکس باید سهم خود را بسازد - ۴: ۶، ۱۹.

ت. ما باید به طور نهادی از الگوی نحمیا برای «بناسازی حصار» پیروی کنیم، [یعنی] بناسازی کلیسا به عنوان پادشاهی خدا، برای حفاظت از کلیسا به عنوان

خانه خدا، محل سکونت او - ۲: ۴، ۱۰، ۱۷-۲۰؛ افسسیان ۲: ۲۱-۲۲.

۳. مقصود از بنای حصار این است که همه ما را به نظم و ترتیبی مناسب در حیات تحت سروری مسیح آورد - ۱: ۲۲-۲۳؛ کولسیان ۱: ۱۸؛ ۲: ۱۹:

آ. مسیح هم سر بدن، کلیسا، به طور جمعی و هم سر همه ایمانداران به طور فردی است؛ او مستقیماً سر هر یک از ماست - ۱: ۱۸؛ ۱ قرنتیان ۱۱: ۳.

ب. زندگی کلیسایی، یک زندگی تحت سروری آمدن زیر سروری منحصر به فرد مسیح است - افسسیان ۱: ۱۰، ۲۲-۲۳؛ ۴: ۱۵-۱۶؛ کولسیان ۲: ۱۹.

پ. اگر سروری منحصر به فرد مسیح را حرمت نهیم، سپس در بازیابی خداوند، کلیسا نه تنها خانه بلکه شهر نیز خواهد بود - عبرانیان ۱۱: ۱۰؛ ۱: ۲-۳؛ نحمیا ۱: ۹؛ ۲: ۵؛ ۱۷؛ ۱ تیموتائوس ۳: ۱۵؛ مکاشفه ۲۱: ۲، ۱۰-۱۱:

۱. کلیسا به عنوان خانه، عمدتاً با مسیح به عنوان حیات است، و کلیسا به عنوان شهر، عمدتاً با مسیح به عنوان سر است - ۱ تیموتائوس ۳: ۱۵؛ متی ۵: ۱۴؛ کولسیان ۳: ۴؛ ۱: ۱۸:

(آ) وقتی که مسیح را به عنوان حیات تجربه کرده و از او مسرت می بریم، کلیسا را به عنوان خانه داریم؛ وقتی که به سروری منحصر به فرد مسیح پی می بریم، کلیسا به عنوان شهر توسعه می یابد، که نشانگر پادشاهی خداست - متی ۱۶: ۱۸-۱۹.

(ب) کلیسا به عنوان شهر، نه تنها با مسیح به عنوان حیات بلکه با سروری مسیح نیز بنا شده است؛ از این رو، مسیح نه تنها باید حیات ما، بلکه باید سر ما نیز باشد - کولسیان ۳: ۴؛ ۱: ۱۸؛ ۲: ۱۹.

۲. اگر سروری منحصر به فرد مسیح را حرمت نهیم، کلیسا برای پادشاه و پادشاهی او، از خانه به شهر توسعه می یابد - مزامیر ۴۸: ۱-۲؛ ۱ قرنتیان ۱: ۲؛ ۱۲: ۱۲-۱۳، ۲۷؛ افسسیان ۱: ۲۲-۲۳؛ ۴: ۱۵-۱۶؛ مکاشفه ۲۱: ۲، ۱۱-۱۰، ۱۴؛ ۱۱: ۱۵.

۴. ما باید حصار [دیوار] را بسازیم تا کلیسا را از تعالیم گوناگون، که بر خلاف تعالیم رسولان هستند، محافظت کنیم - اعمال ۲: ۴۲؛ ۱ تیموتائوس ۱: ۳-۴:

آ. تعالیم گوناگون به تعالیمی اشاره دارد که با اقتصاد خدا همخوانی ندارند - ۳: ۶. ب. تعالیم گوناگون در ۱: ۳-۴، ۶-۷؛ ۶: ۳-۵، ۲۰-۲۱ و بدعت ها در ۴: ۱-۳، بذر و منشأ افت، تنزل و زوال کلیساست.

پ. تعالیم گوناگون دادن، بنای خدا را خراب کرده و اقتصاد خدا را باطل می کند. حتی مقدار کمی تعلیم به روشی متفاوت، بازیابی را ویران می کند.

ت. برای اداره و شبانی یک کلیسای محلی، اولین چیزی که لازم است، خاتمه دادن به تعالیم گوناگون مخالفان است، که حواس مقدسین را از خط مرکزی اقتصاد خدا پرت می کند - تیتوس ۱: ۹.

حفاظت از کلیسا به عنوان خانه خدا

ث. ما باید از تعالیم گوناگون اجتناب کرده و بر اقتصاد خدا دربارهٔ مسیح و کلیسا تمرکز کنیم - ۱ تیموتائوس ۱: ۳-۴؛ افسسیان ۳: ۹؛ ۵: ۳۲.

۵. اگر دیوار در کلیسا بنا شود، ما از کسانی که برای از بین بردن کار بنای خدا مورد استفادهٔ دشمن قرار می‌گیرند محافظت خواهیم شد:

آ. ویران‌کنندگان بنای الهی کسانی هستند که بدعت‌ها را موعظه کرده و تعلیم می‌دهند - ۲ پطرس ۲: ۱؛ ۲ یوحنا ۷-۱۱:

۱. کسانی که بدعت‌هایی را دربارهٔ شخص مسیح تعلیم می‌دهند، دجال‌ها بوده، هم شخص خداوند را به عنوان ارباب و هم باخرید او که توسط آن، خداوند ایمانداران را خرید، انکار می‌کنند؛ انکار اینکه عیسی انسان، خداست، یک بدعت بزرگ است - آ. ۷؛ ۱ یوحنا ۲: ۱۸، ۲۲-۲۳؛ ۴: ۲-۳. آن رسول به ایمانداران هشدار داد که مراقب خود باشند که مبادا تحت تأثیر بدعت‌ها قرار گرفته و حقایق را از دست بدهند؛ ما باید کسانی که تولد و ربانیت مسیح را انکار می‌کنند رد کرده، آنها را در خانه‌های خود نپذیریم یا به آنها خوش‌آمد نگوییم - ۲ یوحنا ۸-۱۱.

ب. ویران‌کنندگان بنای الهی کسانی هستند که نفاق افکن، فرقه‌گرا هستند - تیتوس ۳: ۱۰:

۱. یک انسان نفاق افکن، بدعت‌گذار و فرقه‌گرا است که با تشکیل گروه‌ها در کلیسا بر طبق عقاید خود، باعث تفرقه می‌شود؛ برای حفظ نظم و ترتیب خوب در کلیسا، یک شخص نفاق افکن و تفرقه‌انگیز باید پس از یکی دو بار نصیحت رد، طرد شود - آ. ۱۰.

۲. چون یک چنین تفرقه‌گرایی مسری است، این رد کردن، به سود کلیساست تا تماس با آن فرد تفرقه‌انگیز متوقف شود - ر. ک. اعداد ۶: ۶-۷.

پ. ویران‌کنندگان بنای الهی کسانی هستند که ایجاد تفرقه می‌کنند - رومیان ۱۶: ۱۷:

۱. در رومیان ۱۴، پولس در مورد دریافت کسانی که در تعلیم یا عمل متفاوت هستند، روشن فکر و فیض‌بخش بود؛ با این حال، در رومیان ۱۶: ۱۷ او تسلیم‌ناپذیر و مصمم بود چرا که گفت «لکن ای برادران از شما استدعا می‌کنم آن کسانی را که منشا تفریق و لغزشهای مخالف آن تعلیمی که شما یافته‌اید می‌باشند، ملاحظه کنید و از ایشان اجتناب نمایید».

۲. خداوند از «کسی که در میان برادران نزاع‌ها بپاشد» متنفر است - امثال ۶: ۱۶، ۱۹.

ت. ویران‌کنندگان بنای الهی کسانی هستند که برای مقام جاه طلب هستند - ۳ یوحنا ۹:

۱. ما هرگز نباید در شکار اول بودن در کاری برای خداوند باشیم؛ این کارِ مودیانه از جاه طلبی پنهان برای رقابت با دیگران برای اول بودن است - آ. ۹.
۲. ویران کنندگان بنای الهی کسانی هستند که گرگ بوده، بر گله ترحم نمی کنند، کسانی که سخنان کج می گویند تا ایمانداران را در عقب خود بکشند - اعمال ۲۰: ۲۹-۳۰.
۶. پس از بنا شدن دیوار، ما می توانیم در برابر حمله مرگ بر کلیسا مقاومت کنیم و بدن مسیح را در حیات رستاخیز مسیح بنا سازیم - متی ۱۶: ۱۸؛ یوحنا ۱۱: ۲۵؛ افسسیان ۱: ۲۲-۲۳؛ ۴: ۱۶.
- آ. مرگ، مشخصه کار شیطان است؛ هدف نهایی کار او این است که انسان را با مرگ اشباع کند - عبرانیان ۲: ۱۵.
- ب. متی ۱۶: ۱۸ به ما نشان می دهد که حمله به کلیسا از چه منشأی خواهد آمد - «ابواب جهنم»، یعنی مرگ:
۱. هدف خاص شیطان، گسترش مرگ در کلیساست، و بزرگترین ترس او در مورد کلیسا، مقاومت او [کلیسا] در برابر قدرت مرگ او [شیطان] است - مکاشفه ۲: ۸، ۱۰-۱۱.
۲. کلیسا که بر «این صخره» بنا شده است، می تواند مرگ و حیات را تشخیص دهد، و ابواب جهنم [هاویه] بر آن استیلا نخواهد یافت - متی ۱۶: ۱۸.
- پ. ما باید مسیح را به عنوان اول و آخر - آن که همیشه موجود و تغییر ناپذیر است - و به عنوان کسی که مرده شد و دوباره زنده گشت - آن که در رستاخیز است - بشناسیم - مکاشفه ۱: ۱۷-۱۸؛ ۲: ۸؛ یوحنا ۱۱: ۲۵؛ اعمال ۲: ۲۴.
- ت. ما می توانیم بدن مسیح را فقط در حیات رستاخیز مسیح بنا کنیم - افسسیان ۲: ۶، ۲۱-۲۲؛ ۴: ۱۶؛ مکاشفه ۱: ۱۸؛ ۲: ۸؛ فیلیپیان ۳: ۱۰.
۱. بدن مسیح در حیات رستاخیز مسیح است - یوحنا ۱۱: ۲۵:
- (آ) طبیعت کلیسا به عنوان بدن مسیح، رستاخیز است - اعمال ۲: ۲۴؛ افسسیان ۱: ۱۹-۲۳.
- (ب) کلیسا خلقت نو است که در رستاخیز مسیح و توسط مسیح رستاخیز کرده خلق شده است - ۱ پطرس ۱: ۳؛ افسسیان ۲: ۶؛ غلاطیان ۶: ۱۵.
۲. بدن مسیح در رستاخیز است، و واقعیت رستاخیز، مسیح به عنوان روح حیات بخش است - یوحنا ۱۱: ۲۵؛ ۲۰: ۲۲؛ ۱ قرنتیان ۱۵: ۴۵. ب.
۳. اصل رستاخیز این است که حیات طبیعی کشته شده و حیات الهی بر می خیزد تا جای آن را بگیرد - ۲ قرنتیان ۱: ۹.

حفاظت از کلیسا به عنوان خانه خدا

۴. وقتی ما توسط حیات طبیعی زندگی نکرده، بلکه توسط حیات الهی درون خود زندگی می‌کنیم، در رستخیز هستیم؛ نتیجهٔ چنین زندگی‌ای، رشد و بناسازی کلیسا به عنوان بدن مسیح است - فیلیپیان ۳: ۱۰-۱۱؛ افسسیان ۴: ۱۶-۱۵؛ کولسیان ۲: ۱۹؛ ۳: ۱۵.